

اسامی محلی بیماری هیداتیدوزیس نشخوارکنندگان ایران در برخی زبان ها و گویش های ایرانی

اسلامی، ع.

پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۰۸

دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۹

خلاصه

ایران سرزمینی است که هیچگاه در طی تاریخ طولانی اش دارای یک زبان و یک فرهنگ نبوده است. با توجه به موقعیت استراتژیک ایران که در جایگاه حساس و بی ثبات منطقه ای در دنیا واقع شده است، تنوع فرهنگ ها و زبان ها علی رغم انتظارات عمومی، موجب مستحکم تر حفظ تمامیت ارضی و وحدت ملی کشور شده است. مردم ایران از قوم ها و گروه های تشکیل شده اند، که با زبان ها، گویش ها و لهجه های مختلف که گاهی غریبه با یکدیگر هستند، تکلم می کنند. روستائیان علاوه بر آن، در مورد مسائل دامداری و کشاورزی بومی از گویش ها و لهجه های ویژه استفاده می کنند. برای انجام این مطالعه، در دهه هشتاد، پرسش نامه ای در باره گویش های بیماری های عفونی نشخوارکنندگان از جمله هیداتیدوزیس تهیه کردم. عامل این آلودگی، کیست هیداتیک می باشد که نوزاد یکی از کرم های پهن (سستود) روده سگ به نام *اکینوکوکوس گرانولوزوس* است. آلودگی حیوانات موجب خسارت هنگفت اقتصادی و بهداشتی در حیوانات و انسان می شود. این پرسش نامه ها با همکاری سازمان دامپزشکی، به اداره های دامپزشکی ۳۱ استان کشور ارسال شد. جمع آوری و ثبت این اسامی محلی توسط پژوهشگران که دکترا دامپزشک و کارکنان فنی این اداره ها بودند، انجام شد.

بر اساس نتایج این مطالعه، در سه استان بوشهر، قم، البرز گویشی ذکر نشد ولی در ۲۸ استان ایران ۷۸ گویش ثبت شد. کار برد این گویش ها، در حرفه های دامپزشکی و بهداشتی بوده و برای گویش شناسان سبب غنی سازی گنجینه گویش های ایرانی می گردد.

واژه های کلیدی: گویش، هیداتیدوزیس، نشخوارکنندگان، ایران.

۱. گروه انگل شناسی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

*نویسنده مسؤول: aislami@ut.ac.ir

کیست هیداتیک، عامل ایجاد هیداتیدوزیس و آلودگی اعضای مختلف میزبان های واسط (حیوانات مختلف و انسان)، نوزاد کرم کوچک بند بندگی (سستود) به طول ۳ - ۷ میلی متر با ۳ - ۶ بند به نام اکینو کوکوس گرانولوزوس است که در روده سگ و گوشتخوران زندگی می کند. آخرین بند که حاوی تقریباً ۵۰۰ تخم است، در روده تجزیه شده و تخم ها همراه مدفوع به خارج می رسند. اگر این تخم ها که حاوی نوزادی به نام اونکوسفر است (حتی یک تخم)، همراه علوفه حیوانات و سبزیجات و دست آلوده انسان وارد لوله گوارش شوند از راه رگ های باریک جدار روده نفوذ کرده و در اعضای مختلف، کیستی به بزرگی ۱۶ سانتی متر و بزرگتر، حاوی مایع هیداتیک و هزاران سر کرم (پرو تو اسکولکس) تشکیل می شود و با خوردن کیست ها توسط گوشتخوران، هزاران کرم ایجاد می شود. کسانی که با حرفه دامپزشکی سر و کار دارند و دامداران حین ذبح حیوانات با چشم غیر مسلح، به آسانی کیست ها را تشخیص می دهند. هدف این پژوهش، جمع آوری و ثبت شفاهی - گفتاری و نوشتاری گویش های مختلف هیداتیدوزیس در ایران است.

روش پژوهش

جمعیت روستائی ایران، در حدود ۲۰ میلیون نفر است. (بی نام، ۱۳۸۶) بخشی از فعالیت های روزمره آن ها پرورش ۷۸۰۲۶۰۰۰ میلیون راس نشخوار کنندگان کوچک و ۸۵۶۵۰۵۰ میلیون راس نژاد های مختلف گاو، عمدتاً ۱۳۴۰۲۰ میلیون راس گاو های بومی است (بی نام، ۱۳۸۶). زبان رسمی ایران فارسی است، ولی مردم به زبان های ترکی، ارمنی و عربی و ۱۱ گویش لری، لکی، بلوچی، گیلکی، تالشی، تاتی، گویش های مرکزی، گویش های جنوبی و گویش های منطقه خراسان تکلم می کنند (کلباسی، ۱۳۸۸). دامداران و کشاورزان غیر از محاوره زبان ها، گویش ها و لهجه های رایج، از گویش های مربوط به مسائل دامداری و کشاورزی از جمله ویژه بیماری ها استفاده می کنند. برای انجام این مطالعه، در دهه هشتاد پرسش نامه ای برای جمع آوری و ثبت این واژه ها تهیه شد و در آن، نام گویش، گویش شفاهی - گفتاری، تاریخ و نواحی جغرافیائی مورد بررسی، ثبت شد و سازمان دامپزشکی آن را به اداره های دامپزشکی ۳۱ استان ارسال کرد و پس از تکمیل آن ها به گروه انگل شناسی دانشکده دامپزشکی عودت داده شد.

نتایج و بحث

بررسی ها ی انجام شده در ایران نشان می دهند که ۱۰۱ بیماری

عفونی نشخوار کنندگان ایران، شامل ۳۱ عدد انگلی (کرمی، ناشی از انگل های خارجی و تک یاخته ها)، ۳۲ عدد باکتریائی، ۳۱ عدد ویروسی و ۷ عدد قارچی گزارش شده اند (اسلامی و همکاران، ۱۳۷۸). ولی از این تعداد، روستائیان فقط با دیدن انگل ها از جمله کیست هیداتیک و یا علائم درمانگاهی مانند زردی = تیلریا زیس آن بیماری را تشخیص می دهند و برای آن ها اسامی محلی (گویش ها و یا لهجه ها) ابداع می کنند، که طی هزاران سال به طور شفاهی - گفتاری، سینه به سینه منتقل شده است. نتایج این پژوهش، در جدول (۱) خلاصه شده است. در پرسشنامه های استان های البرز، قم و بوشهر گویشی برای کیست هیداتیک ذکر نشده است. ولی در ۲۸ استان ایران، ۵۴ گویش شفاهی - گفتاری برای اولین بار در ایران جمع آوری و ثبت شد که به نوعی رابطه با زبان ها و گویش های مردمی ایران دارند و به فرم نوشتاری تبدیل شده اند. کار برد این واژگان برای ایجاد رابطه بین دامپزشک - فرد روستائی برای تشخیص، درمان و کنترل بیماری و برای ترویج مسائل بهداشتی حیوانات و انسان، عمدتاً خطرات سگ و کیست هیداتیک در جلسات، مساجد و تکیه هاو ... مهم است.

در ایران هزاران گویش، ضمن جمع آوری و ثبت موضوعی مختلف، از جمله در کتاب "گنجینه گویش های ایرانی استان اصفهان" منتشر شده است (اسماعیلی، ۱۳۹۰)، ولی فناوری چاپ گویش ها در ایران بسیار کم است. بر اساس اطلاعات موجود، "بررسی واژه های دام و دامداری در گویش کلههری" (ملکی، ۱۳۸۷)، "اسامی محلی بعضی داروها، بیماری های دامی و درمان سنتی منطقه آذر شهر" (جعفرزاده، ۱۳۹۰) و واژگان دامپزشکی در زبان آذری (شایق، ۱۳۸۸) چاپ شده است. همچنین، گویش هائی در باره فاسیولیزیس (اسلامی و مشکات)، دیکروسلیازیس و گویش های بیماری های انگلی نشخوارکنندگان استان سمنان (اسلامی، ۱۳۹۳) منتشر شده است.

روستائیان تولید کننده فراورده های کشاورزی و دامداری، صاحبان گنجینه ای از گویش ها هستند (بی نام، ۱۳۹۰). متأسفانه، جمعیت روستائیان کشور، کم و بیش مانند سایر نقاط دنیا، در حال کاهش است. طبق آمار سال ۱۳۳۵ ۶۶٪ جمعیت ایران، روستائی (۱۲ میلیون نفر) و ۳۴٪ (۶ میلیون نفر) شهری بودند. در سال ۱۳۸۵، از جمعیت ۷۰ میلیونی، ۶۸٪ شهری و ۳۲٪ روستائی بودند. طبق گزارش رئیس مرکز آمار، جمعیت روستائی امروز کشور به ۲۲٪ و در سال ۱۳۹۵، به ۲۰٪ خواهد رسید (مرکز آمار کشور، ۱۳۹۰).

مقایسه این آمار درحقیقت به صدا درآمدن زنگ خطری است که بیانگر این حقیقت است که جمعیت روستائیان کشور که تولید کننده

استان	گویش	آواشناسی	استان	گویش	آواشناسی
آذربایجان شرقی	سولوخ	sulux		جگر آبله	Ĵegar-e âble
آذربایجان غربی	سولوخ	sulux	فارس	اودون	ödun
	گُرده سلوغ	gord- ye soloq		کیسه رو وی	Kisse- ye rovy
	گوان چه زگ	guvan çe zeg		گوروی سفید	guro-ye sefid
	پلوق	poloq		کوره	kore
	پوسولوغ	posoloq		پی خورک	Pey –e xöraq
اردبیل	سولوخ	soloq	قزوین	سولوخ	sulux
	سولوخ	sulux		آبله	âple
	سولوغ جگر	soloq -e jegar	کردستان	آو بند	âw band
	کرم سگ	Kerm-e sag	کرمان	آبدون	âbdun
	کرم جیگر و پُف	Kerm-e jigar va pof		سنگی	sangi
	تولوق ویزما	toloq vizma	کرمانشاه	کیسه	Kisse
اصفهان	تاول جیگر	tavel-e Jigar		دُمَل	domal
ایلام	کیسله	Kissele	کهگیلویه و بویر احمد	گورآو	göwraw
تهران	آبدانه	âbdâne		کِرَو	kerav
	انگوری	anguri		آبدانه	âbdâne
چهار محال و بختیاری	کُرَو	korev		انگوری	anguri
	کورک	kurak	گیلان	دانه	dane
خراسان رضوی	پُفله	pöfle		آوه	âove
	عُدّه	qödde		آب پيله	âb pile
	آبدانک	âbdânak		کاوی	kawveli
	پُفله- پُفله	Pöfle- pöfle	لرستان	اوزولک	ozulak
	آبله جیگر	âble-ye jigar	مازندران	اب پله	abpele
	مَرَضِ سَگی	maraz-e sagi		سیمکا	simekâ
خراسان شمالی	قَفله	qafle		سیماغ	simâq
	جگر پفله	jigar –e pöfle		پتی	pati
	جگر خلفه	Ĵegar-e xölfe		کورسیمکا	Kur simekâ
	آبدانک	âbdânak		خیک	xiyak
خراسان جنوبی	آبدانک	âbdânak		دم چر	dom çar
	کورو	korrou		کاوی	kawveli
	قَفله	qöfle		آوه	awve
خوزستان	غده	qodde	مرکزی	سولوخ	sulux
	کورو	korru		هو کیسه	Howkise
زنجان	سولوخ	sulux		کیسه آبکی	Kist-e- ye âba-ki

sulux	سولوخ	همدان	suluq	سولوق	
kisile	کیسیله		sangak	سنگک	سمنان
kapalak	کپلک		âb dâne	آب دانه	
ödun	اودون	یزد	qarne- ye jigar	قرنه جیگر	
ödune	اودونه		Ĵegar-e grunpoki	چگر گرونپوکی	سیستان و بلوچستان
			Ĵeger-e eybi	چگر عیبی	

جدول ۱. اسامی محلی هیداتیدوزیس نشخوارکنندگان ایران در برخی زبان ها و گویش های ایرانی

باورکردنی نیست که نه در تایلند و مالزی و سنگاپور، نه در رودزیا و اوگاندا و دیگر مستعمره های سابق بریتانیا، بلکه در قلب اروپا در کشوری مثل سوییس نیمی از دبستان ها و دبیرستان ها، به اصرار اولیای دانش آموزان، همه ی درس ها را به زبان انگلیسی تدریس می کنند. در این هنگامه ی بی امان تشخیص زدایی فرهنگی، نگه داری جلوه های گوناگون فرهنگ و هویت ملی، از جمله زبان و گویش ها چه دشوار شده است و ما در این میان چه غافل مانده ایم (سرکارائی، ۱۳۹۲). ولی آن هائی که به مرحله نوشتاری رسیده اند، بر ای همیشه در گنجینه زبان ها و گویش های ایرانی حفظ خواهند شد (بی نام، ۱۳۹۰). لذا در روزگار کنونی که بسیاری از گویش های محلی ایرانی از یاد رفته اند و یا شمع وجودشان رو به خاموشی نهاده و سرعت این خاموشی نیز به دلیل گستردگی پوشش فناوری های نوین ارتباطی در حال افزایش است، امید است که این نوشتار، قدمی هرچند کوچک در جهت شناسائی، ثبت، ضبط و توصیف گویش های ایرانی باشد و به حفظ این گنجینه های ارزشمند معنوی کمک نماید.

عمده مواد غذایی انسان و حیوانات و هم چنین سازندگان، کاربران و پاسداران گویش های محلی می باشند رو به کاهش گذاشته است و به تدریج با فاصله گرفتن آنها از فضای روستا، کشاورزی و دامپروری، این واژگان و اصطلاحات به دست فراموشی سپرده خواهند شد و روزی خواهد آمد که نسل های بعد از این گنجینه ناب هیچ سهمی نخواهند داشت. از این رو باید متخصصین در زمینه های مختلف علمی هرچه سریع تر در جهت جمع آوری، شناسائی، ثبت، ضبط و توصیف گویش های ایرانی، با کمک زبان شناسان، گویش شناسان، جامعه شناسان و کسانی که علاقه مند به فرهنگ، زبان و هویت ایرانی هستند، اقدام نموده و گام های موثری در راه حفظ و ثبت گویش های ایرانی بردارند. با شهرنشین شدن روستاییان رفته رفته کاربرد بسیاری از گویش ها رو به فراموشی نهاده و جای خود را به فارسی معیار و یا گویش های دیگر داده است. با وجود این که از بین رفتن گویش های محلی و زبان یک قوم، به تنهائی رنج آور و تاسف انگیز است، اما دردناک تر از آن این است که از میان رفتن یک زبان و یک گویش، مساوی با از بین رفتن تاریخ و فرهنگ شفاهی یک قوم و یک ملت است و این حقیقت توجه به لزوم حفظ و احیای زبان ها و گویش را صد چندان می سازد (سرکارائی، ۱۳۹۲؛ کلباسی، ۱۳۸۸). در شرایط کنونی، جمع آوری اصطلاحات و واژگان مورد استفاده برای بیماری های مختلف که در گویش های هر منطقه رایج می باشند و انتشار آن ها به صورت یک فرهنگ واژه گان بیماری های عفونی نشخوار کنندگان، به عنوان منبعی برای صاحبان مشاغل مرتبط با روستاییان و عمدتاً دکتران دامپزشک و کارکنان فنی دامپزشکی ضروری است. این واژگان برای پژوهشگران گویش شناسی و زبان شناسی نیز قابل استفاده می باشد. به گزارش آمارگران یونسکو در طول هزاره ای که پشت سر گذاشتیم، بیش از دو هزار زبان و لهجه و گویش بومی از میان رفته است.



Local expression of ruminants hydatidosis in a multi-cultural and multi –lingual Country: a case study in Iran

Eslami, A.

Received: 11.10.2014

Accepted: 29.12.2014

Abstract

Iran has always been enjoying a diverse culture and language throughout its rich history of existence. Contrary to one' expectation, this diversity of culture has helped the country to one of the most united and integrated countries around the world despite its critical location in an unstable region of the world.

The present research that was carried out for the first time in Iran, attempts were to collect record and write the local names of hydatidosis, one of the ruminant's infection diseases. Rural, is composed of different ethical and group of population with different accents and sometimes different Language unfamiliar to other locals regions, but villagers to conserve to each other use local names on the issue of animal husbandry, as well as hydatidosis, which is accompanied with important economical damage in animals damage as well as hygiene in human being. The agent of this infection is the larva of intestinal cestode of carnivores, *Echinococcus granulosus*.

The present note, that it was carrying out a questioner for the fist time in Iran, containing accents, studied geographical area and date. Then it distribute, through Veterinary Organization to 31 veterinary departments. In the questioners 78 local name were noted for hydatidosis with a range of 1-10 per provinces. Although no dialect was not noted in Alborz, Qom and Bushehr provinces. The results of the study can be used in familiarizing the public and those who are in the linguistic field with the ethnical aspect or the veterinary medicine applications.

Key words: Local name, Hydatidosis, Ruminant, Iran

1. Department of Parasitology, Faculty of Veterinary Medicine, University of Tehran, Tehran, Iran.

*Corresponding author: aislami@ut.ac.ir

- اسلامی، ع. مشکات، م. در حال چاپ. نام فاسیو لیازیس (بیماری انگلی کبدی نشخوارکنندگان)، در برخی زبان ها و گویش های ایرانی ". ویژه نامه زبان ها و گویش های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- اسلامی، ع. ۱۳۹۳. اسامی بیماری های انگلی نشخوارکنندگان استان سمنان در برخی زبان ها و گویش های ایرانی. مجله تحقیقات آزمایشگاهی دامپزشکی. ۶ (۱)، ۵ - ۹.
- اسلامی، ع. تاج بخش، ح. نادعلیان، م. ق. مشکوت، م. مخیر، ب. زینلی، م. رهبری، ص. کیوانفر، ه. خسروی، ع. ۱۳۷۸. چشم انداز آینده کنترل بیماری های عفونی گزارش شده از نشخوارکنندگان و مشترک با انسان ایران. طرح تحقیقاتی مصوب گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران.
- اسماعیلی، م. م. ۱۳۹۰. گنجینه گویش های ایرانی استان اصفهان ۱. فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- بی نام، ۱۳۸۸. بر آورد جمعیت دامی به تفکیک نوع دام کل کشور طی سال های ۱۳۵۰ لغایت ۱۳۸۶.
- بی نام، ۱۳۹۰. راهنمای گرد آوری گویش ها برای گنجینه گویش های ایرانی.
- جعفر زاده، ۱۳۹۰. اسامی محلی بعضی دارو ها، بیماری های دامی و درمان سنتی منطقه آذر شهر. مجله نظام دامپزشکی (تهران) شماره ۲۱.
- سرکارائی، ب. ۱۳۹۲. اهمیت گویش های ایرانی. مرکز دائرة المعارف بز رگ اسلامی (مرکز پژوهش های ایرانی و اسلامی).
- شایق، ج. ۱۳۸۸. واژگان دامپزشکی در فرهنگ بومی آذربایجان، نشر دانشگاه آزاد اسلامی شبستر.
- کلباسی، ا. ۱۳۸۸. فرهنگ توصیفی گونه های زبانی ایران. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مرکز آمار کشور، ۱۳۹۰. مصاحبه رئیس مرکز آمار کشور.
- ملکی، ن. ۱۳۸۷. بررسی واژه های دام و دامداری در گویش کلهری مجله گویش شناسی، ویژه نامه "نامه فرهنگستان" ۵۷ - ۶۳.